درمکتب امام

مسئولان با خودشان خلوت کنند

شما فکر این ملت، فکر این زاغه‌نشین‌ها، فکر این مردمی که همه چیزشان را دادند و شما را به مسند نشاندند، فکر آنها را بکنید. شب وقتی خلوت می کنید، فکر بکنید که مـــن امروز که کار کردم برای خودم کردم یا برای مردم. امروز که صحبت می کنم برای خودم صحبت می کنم یا برای مصالح کشور.

صحیفه امام؛ ج۱۳؛ ص۲۰۰ | جماران؛ ۲۰ شهریور ۱۳۵۹

مقاله وارده

سوءمدیریت و ناترازی‌ها

دکتر ابراهیم کارخانه‌ای*

از آنجا که علل و ریشهٔ اصلی مشکلات را می‌بایست در سوء مدیریت و به بیان دیگر ناترازی مدیریتی و ناتوانی در بهره‌مندی از توانمندی‌های بالقوهٔ کشور جست‌وجو کرد. در ذیل به نکاتی راهبردی در این خصوص اشاره می‌شود:

۱. مدیری که خون غیرت و شـــرف و مردانگی شهیدان انقلاب اسلامی در رگ‌های او جاری اســـت، هرگز اجازه نخواهد داد که غبار ســـوءمدیریت- که ریشهٔ تمام نابسامانی‌هاست- بر قامت رشید نظام اسلامی- که خار چشم دشمنان اسلام است- بنشیند. مدیر پرورش‌یافتهٔ مکتب امام خمینی ســـینهٔ خود را در برابر گلوله‌های دشـــمن سپر می‌کند تا به نظام اسلامی آسیبی نرسد. چنین مدیری منافع خود را در عزت و اقتدار نظام اسلامی جست وجو می‌کند، ولی مدیر زبون، ترسو و دنیاپرست به منافع پست و زودگذر دنیا راضی می‌شود.

مدیری که به‌علت ناتوانی و بی‌کفایتی، فضای مدیریتی کشور را به فساد آلوده می‌کند، مدیری که در دفاع از منافع ملی در برابر دشمن کوتاه می‌آید، ادامهٔ مسئولیتش ظلم به نظام اسلامی است. مدیری که با تظاهر به پاکدستی، فساد را با همه مظاهر آن می‌پوشاند و دم نمی‌زند، مجرم اصلی فساد است. مدیری که با درایت و تیزبینی و اشراف مدیریتی مانع از شکل گیری فساد می‌شود و احیانا، فساد را در صورت بروز در نخستین مرحله شناسایی و بلافاصله به دستگاه قضائی معرفی می‌کند، می‌بایست مورد تقدیر و تشویق قرار گیرد.

۲. برای خشـــکاندن ریشه‌های ناکارآمدی و فساد باید نظارت را از درون دستگاه‌های اجرائی آغاز کرد. براین اساس، مدیر هر دستگاه می‌بایست اولین مسئول مبارزه با فساد باشد تا در صورت مشاهده فساد به‌علت فقدان اشراف مدیریتی و نظارتی، به‌عنوان اولین متهم مورد بازخواست قرار گیرد. با گسترش چنین رویه‌ای ریشهٔ فساد از چهرهٔ پاک نظام اسلامی زدوده خواهد شد و مدیرانی پاکدست، توانمند، مؤمن و انقلابی در رأس دستگاه‌های اجرائی قرار خواهند گرفت.

۳. هرگز نباید به علت بی‌کفایتی مدیریتی، چهرهٔ پاک و انقلابی نظام اسلامی توسط مشتی سودجو و فرصت‌طلب و رانت‌خوار- که نقش ستون پنجم اقتصادی دشمن را ایفا می‌کنند- به فساد آلوده شود. برای مقابلهٔ قاطعانه با اژدهای هفت‌سر فساد می‌بایست تمامی دستگاه‌های نظارتی کشور قاطعانه و به‌دور از هر نوع ملاحظه‌کاری، قدرتمندانه با عوامل فساد اقتصادی برخورد قانونی کنند. دستگاه‌های نظارتی شامل: وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده، می‌بایست قدرتمندانه و شجاعانه در برنامه‌ای هماهنگ با تشکیل «شورای هماهنگی نظارتی اقتصادی کشور» به جنگ تمام‌عیار با فساد و برهم‌زنندگان نظم اقتصادی کشور به پاخیزند.

بر این اساس، با عزمی راسخ و انقلابی، دیری نخواهد پایید که اژدهای فساد در قعر گردابی که نیروهای انقلابی کنده‌اند فرو خواهد رفت و گوهر پاک انقلاب، نور امید و نشـــاط را بر چهرهٔ ملت ایران خواهند نشـــاند. چنین حرکت انقلابی مســـتلزم آن است که نظام اجرائی کشور هیچ خط‌قرمزی برای مبارزه با فســـاد قائل نشود و با میدان دادن به نیروهای موءمن و توانمند، بستر لازم را برای این حرکت انقلابی فراهم نماید. در جایی که به‌فرمودهٔ بنیانگذار جمهوری اسلامی، حفظ نظام اســـلامی از اوجب واجبات است، مســـامحه و ملاحظه و سوءمدیریت در زدودن غبار فساد از چهرهٔ انقلاب، خیانت به نظام اسلامی و آرمان شهیدانی است که برای عزت اسلام از بذل جان و مال خود دریغ نکرده‌اند.

۴. مدیریت جهادی و انقلابی نخستین شرط پیشرفت و مقابله با توطئه‌های همه‌جانبهٔ دشمن و اقتصاد مقاومتی نسخهٔ شفابخش اقتدار اقتصادی و سیاسی ایران اسلامی برای امروز و آیندهٔ کشور است که متاسفانه مورد غفلت واقع شده است. می‌بایست با تبدیل تهدیدها و تحریم‌های دشمن به فرصت، طی سلسله عملیات‌های هدفمند جهادی و انقلابی، با استحکام‌بخشی به پایه‌های اقتصاد مقاومتی، توطئه اقتصادی و سیاسی دشمن را نقش بر آب نمود و این جز با به‌کارگیری مدیران جهادی و برخوردار از روحیهٔ انقلابی و عمل به سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی امکان‌پذیر نیست.

۵. مدیریت طعمه نیســـت که افراد فرصت‌طلب و ســـودجو بر سر تصاحب آن رقابت کنند. می‌بایست در اقدامی انقلابی، راه برای ورود نیروهای جهادی، پرتوان، مؤمن، انقلابی، ساده‌زیست و مردمی، بدون هیچ‌گونه چشمداشـــت مادی به عرصهٔ اجرائی کشـــور باز شود و با تحولی جدید در نظام مدیریتی کشور راه برای استحکام‌بخشی به نظام مدیریتی کشور و تلاش مجاهدانه برای پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی فراهم گردد.

۶. دشمن با تمام قدرت به میدان آمده و معیشت مردم را در جنگ اقتصادی و فکر مردم را در جنگ روانی نشانه رفته است. در چنین شرایطی جنگ توأمان سخت و نرم دشمن، مدیریت هماهنگ و قدرتمند قوای سه‌گانه را همگام با حمایت‌های مردمی می‌طلبد.

بدون شک، عزم انقلابی و مدیریت جهادی در مقابلهٔ قدرتمندانه با شبیخون اقتصادی دشمن و اقدامات ضربتی در حل مشـــکلات اقتصادی کشـــور موجب می‌شود مردم با حضور یکپارچه و قامتی استوار در برابر توطئه‌های دشمن ایستادگی کنند. رمز این مقاومت و پایداری، تجلی ایثار و اخلاص در مدیریت مجاهدانه و قدرتمندانه از سوی مسئولان نظام است.

۷. مدیری که فقط در مراسم افتتاحیه‌ها و همایش‌ها دیده می‌شود، مدیری که در رفت‌وآمدش متفاوت از مردم است و از آسانسور ویژه رفت‌وآمد می‌کند، مدیری که چندین دستگاه خودرو در اختیار خود و خانواده‌اش قرار داده است، مدیری که با مردم حشرونشر ندارد،مدیری که دغدغه‌مند حضور فرزندش در سرزمین دشمن است، مدیری که دربرابر توطئه‌های دشمن سکوت می‌کند، مدیری که قدرت تحول و نوآفرینی ندارد، مدیری که ایســـتا و متوقف در زمان است، مدیری که چرخ جاری مدیریتی را به‌کندی و به سختی پیش می‌برد، چنین مدیری خسته، اشرافی، ناتوان و ناکارآمد در انجام‌وظیفه اســـت که ادامهٔ مدیریت او جز خســـارت بر نظام اسلامی نخواهد بود. چنین مدیرانی می‌بایست هرچه سریع‌تر جای خود را به مدیرانی توانمند، کارآمد، دلسوز، انقلابی، ساده‌زیست و مردم‌مدار بدهند.

۸. مدیری که به هشـــدارهای دلســـوزان، صاحب‌نظران و نخبگان نظام توجه نمی‌کند و در پایان بعد از خســـارت سنگین به نظام اسلامی به همان نتیجه‌ای می‌رسد که منتقدان دلسوز به او هشدار داده بودند، مدیری که توانمندی داخلی را نادیده می‌گیرد و چشم به توانمندی بیگانه می‌دوزد، هزینهٔ خسارت اقتصادی و حیثیتی که این مدیران بر نظام اسلامی تحمیل می‌کنند بر عهدهٔ کسانی است که سعی در تثبیت این مدیران دارند.

باید با تدوین شـــاخص‌های دقیق کارآمدی، مسابقهٔ تحول و نوآوری و سرعت در خدمت در بین همهٔ دستگاه‌ها برگزار شود و با چنین حسابرسی‌ای، مدیران خسته، ناکارآمد، ایستا و متوقف در زمان، جای خود را به مدیران توانمند و پرشتاب بدهند.

۹. نباید میدان جنگ اقتصادی و سیاســـی را به دســـت افرادی ناتوان و ترسو سپرد. غیرت، مردانگی، توانمندی، شجاعت، خلاقیت و ابتکار، حرف اول مبارزه با دشمن را می‌زند. همان‌گونه که در دوران دفاع مقدس این فرماندهان توانمند و برخوردار از روحیهٔ جهادی و انقلابی بودند که با پشـــتوانهٔ مردمی جنگ را به پیش بردند، در جنگ همه‌جانبه اقتصادی نیز می‌بایست مدیرانی توانمند، عهده‌دار جنگ با دشمن شوند.

درحالی‌که در مرزهای جغرافیایی، قدرتمندانه در مقابل هر تجاوز دشمن ایستادگی و مقاومت می‌شود و به‌بهای خون رشیدترین فرزندان ملت، اجازهٔ ورود دشمن به وجبی از خاک پاک ایران اســـلامی داده نمی‌شود، چرا تروریست‌های اقتصادی و عوامل سودجو و فرصت‌طلب به‌راحتی در میدان اقتصادی کشور جولان می‌دهند و نظم اقتصادیِ و مالی و ارزی مملکت را به هم می‌ریزند، ولی تهاجمی قاطع علیه آن‌ها صورت نمی‌گیرد؟ یقیناً این عرصه نیز جای مردان انقلابی، شجاع، توانمند، مدیر و مدبر است.

۱۰. مگر در تهاجم نظامی هرکس به جبههٔ دشمن کمک کند به‌عنوان خیانتکار جنگی محاکمه نمی‌شود؟ چرا با خیانتکاران، رانت‌خواران و سوداگران جنگ اقتصادی با مسامحه برخورد می‌شود؟

درحالی‌که جزای قاتلی که فردی را به قتل رسانده مرگ است، آیا سزای کسانی که به حقوق یک ملت تجاوز کرده‌اند و نظم اقتصادی کشور را به هم ریخته‌اند و میلیون‌ها نفر را به فقر کشانده‌اند کمتر از ارتکاب یک جنایت اســـت؟! درحالی‌که تمامی دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضائی کشور در مواردی برای دستگیری یک مجرم بسیج می‌شوند، آیا نباید تمامی این دستگاه‌ها برای کوتاه کردن دست متجاوزان به حقوق ملت بسیج شوند؟!

۱۱. شکی نیست که جنگ تمام‌عیار اقتصادی دشمن جنگی زودگذر نخواهد بود، بلکه جنگی فرسایشی و دامنه‌دار است که با هدف فشار، مهار و براندازی بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل شده است. دشمن در جنگ اقتصادی ابتدا استحکامات و اهداف بزرگ اقتصادی را هدف قرار می‌دهد و سپس با حمله به نقاط استراتژیک و تنگ‌تر کردن حلقهٔ مبارزه سعی دارد با عبور از جنگ اقتصادی و سیاسی کردن جنگ، مردم را به میدان مقابله با نظام اسلامی بکشاند.

۱۲. مدیری که از سیم‌های خاردار نفس خویش عبور کرده است، الگویی تمام‌عیار از غیرت و مردانگی، ایثار و شـــهادت، خلاقیت و نوآوری اســـت که می‌تواند مانند حماسه‌های دوران دفاع مقدس با برنامه‌ریزی عملیات‌های بزرگ برای حل مشـــکلات اقتصادی مردم و پیشـــرفت کشور اقدامات هدفمند و انقلابی را سازماندهی، برنامه‌ریزی و اجرائی نماید. مدیری که از ترس امتناع دشـــمن از سازش، دســـتورات فرمانده را از یاد می‌برد و در برابر خواسته‌های از قبل طراحی‌شدهٔ دشمن تن به سازش می‌دهد، مدیری که در میدان جنگ به‌جای روحیه دادن به نیروهای خودی، توانمندی دشمن را به رخ سربازانش می‌کشد، مدیری که چشم امیدش در حل مشکلات اقتصادی به دست دشمن است، چنین مدیری ربطی به نظام اسلامی ندارد. مدیر جمهوری اسلامی مدیری اســـت توانمند، متدین، انقلابی، ساده‌زیست، غیرتمند، دشمن‌ستیز، خلاق و کارآمد است که در میدان جنگ جز به نابودی دشمن و خرسندی فرمانده و سرافرازی ملت و پاسخگویی در محضر پروردگار به چیزی نمی‌اندیشد.

*استاد دانشگاه و نماینده دوره‌های هفتم و نهم مجلس شورای اسلامی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

اجاره «زنگزور» به آمریکا نتیجه کدام غفلت است؟

سرویس‌های سیاسی و خارجی-

قفقاز جنوبی با توافق سران ارمنستان و آذربایجان در کاخ ســـفید، بار دیگر به نقطه جوش تحولات ژئوپلیتیکی بدل شده است. کریدور ادعایی زنگزور، که در نشست اخیر ترامپ، الهام علی‌اف و نیکول پاشـــینیان در کاخ سفید عملاً پایه‌گذاری شد، نه‌تنها یک پـــروژه اقتصادی یا ترانزیتی نیســـت، بلکه مسیری مستقیم برای نفوذ آمریکا، ناتو و رژیم صهیونیستی به قلب قفقاز جنوبی و تهدیدی راهبردی علیه ایران، روسیه و کل منطقه است.

شامگاه جمعه به وقت ایران سران آذربایجان و ارمنستان در کاخ سفید و با میزبانی ترامپ توافقی را امضا کردند که گفته می‌شود قرار است به خصومت ۳۵ ساله بین دو کشور پایان دهد. ترامپ در مراسم امضـــای این توافق گفت: «ارمنســـتان و جمهوری آذربایجان متعهد شده‌اند که برای همیشه به تمام درگیری‌ها پایان دهند، به حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگـــر احترام بگذارند و تجارت، ســـفر و روابط دیپلماتیک را آغاز کنند». رئیس‌جمهور آمریکا این را هم گفت از این پس «شرکت‌های آمریکایی برای سرمایه‌گذاری به جمهوری آذربایجان و ارمنستان خواهند رفت و انتظار می‌رود، توسعه زیرساخت‌ها از ســـوی آنها قابل توجه باشـــد و این به نفع سه کشور خواهد بود.»

بر اســـاس توافق صلحی که جمعه شب میان جمهوری آذربایجان و ارمنســـتان در کاخ سفید به امضا رسید، به باکو دسترسی مستقیم به نخجوان داده می‌شود و ارمنستان نیز بخشی از مسیر ترانزیتی و گذرگاه را واگذار می‌کند. «دونالد ترامپ» هنگام امضای این توافق‌نامه در حضور «نیکول پاشینیان» و «الهام علی‌اف» گفت: این اعلامیه که «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» نامیده می‌شـــود، یک منطقه ترانزیتی ویژه اســـت که به آذربایجان اجازه می‌دهد به خاک خود در نخجوان دسترسی کامل داشته باشد. ارمنستان همچنین در حال ایجاد یک همکاری انحصاری با ایالات متحده برای توسعه این گذرگاه است که می‌تواند تا ۹۹ سال ادامه یابد.».

بدون شـــک توافق صلح دو کشور همسایه که به خصومت دیرینـــه بین دو طرف خاتمه می‌دهد می‌تواند خبر مسرت‌بخشـــی برای منطقه باشد اما نگاهی به محتوای متـــن توافق به خصوص درباره کریدور ادعایی زنگزور نشان می‌دهد که این توافق نه تنها صلحی را برای منطقه به ارمغان نمی‌آورد بلکه با باز کردن پای آمریکا و ناتو به منطقه قفقاز جنوبی و در نزدیکی مرزهای ایران سنگ بنای آشوب و ناامنی را در منطقه پایه‌گذاری می‌کند. محتوای این توافق نشان از توطئه‌ای بسیار خطرناک دارد که می‌تواند تبعات بســـیار جبران ناپذیر سیاســـی، اقتصادی و امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

زنگزور چرا مهم است؟

کریدور زنگزور که ظاهراً از این پس باید «مسیر ترامپ» نامیده شود به‌عنوان یک پروژه حمل‌ونقل اســـتراتژیک در قفقـــاز جنوبی، با هـــدف اتصال جمهوری آذربایجان به منطقه خودمختار نخجوان از طریق استان سیونیک ارمنستان، از زمان جنگ دوم قره‌بـــاغ (۲۰۲۰) به یکی از موضوعات محوری در ژئوپلیتیک منطقه تبدیل شـــده است. در ظاهر آذربایجان، ترکیه و آمریـــکا ادعا می‌کنند که این کریدور فارغ از اینکه نام آن را چه بنامیم زنگزور یا مسیر ترامپ پروژه‌ای توسعه‌گرا و ترانزیتی است اما در باطن، حامل پیام‌هایی راهبردی است که امنیت و منافع ملی ایران را هدف قرار داده است. نقش سنتی ایران به‌عنوان یکی از گذرگاه‌های امن و ارزان برای ترانزیت انرژی و کالا بین آسیای مرکزی، چین، قفقاز و اروپا، همواره یکی از مؤلفه‌های کلیدی در جایگاه منطقه‌ای ایران بوده است. با توافق صورت گرفته این نقش به‌شدت کاهش می‌یابد زیرا ارتباط مستقیم جمهوری آذربایجان با ترکیه و فراتر از آن، با اروپا، بدون نیاز به عبور از خاک ایران ممکن خواهد شد. از منظر اقتصادی نیز مهم‌ترین پیامد این پروژه، کاهش درآمدهای حاصل از ترانزیت و تضعیف موقعیت ایران در پروژه‌هایی مانند ابتکار کمربند و راه چین است. همزمـــان، این راهگذر به ترکیه و آذربایجان امکان می‌دهـــد تا در نقش بازیگران مســـتقل بازار انرژی اوراسیا ظاهر شوند و با حذف ایران از مسیر خطوط لوله و شـــبکه ریلی، قدرت چانه‌زنی آن را در بازار منطقه‌ای تضعیف کنند.

از ســـوی دیگر به گفته کارشناســـان زنگزور پروژه‌ای با اهداف ژئوپلیتیکی گســـترده محسوب می‌شـــود که فراتر ازمنافع جمهـــوری آذربایجان و ترکیه، بـــه دنبال تقویت نفوذ ناتو و غرب در قفقاز جنوبی و تضعیف ایران، روسیه و چین است.

اگر این کریدور آن طور که آذربایجان، ترکیه و آمریکا به دنبال آن هستند اجرائی شود جدای از این که ارتباط زمینی ایران با ارمنســـتان و اوراسیا قطع می‌شود ژئوپلیتیک منطقه را نیز تغییر داده و تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. کارشناسان بر این باور هستند در صورتی که «مسیر ترامپ» یا همان کریدور ادعایی «زنگزور» محقق شـــود نتیجه آن به طور خلاصه حذف ایران از مســـیر اتصال ترکیه به آسیای مرکزی، کاهش نفوذ ایران و روســـیه در قفقـــاز، تقویت حضور ناتو در شمال ایران، کاهش درآمدهای ترانزیتی ایران و محدودکردن دسترسی ایران به بازارها و همسایگان تنها بخشی از تبعات این توافق خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران همواره مخالفت قاطع خود را با ایجاد چنین کریدوری که تمامیت ارضی کشورهای منطقه و همچنین مسدود شدن مسیرها را به دنبال داشته باشد، اعلام کرده است. ایران تاکید کرده است به هیچ وجه تغییر در مرزهای ژئوپلیتیکی را نخواهد پذیرفت. این در حالی است که پاشینیان بعد از امضای این توافق‌نامه مدعی شد که ارمنستان از طریق این پروژه به یک اتصال ریلی با ایران دست می‌یابد که بسیار هم حائز اهمیت است. به گزارش ایسنا او همچنین اظهار داشت: فراموش نکنیم که شرکت ایرانی در حال ساخت بزرگراه شمال- جنوب است. در آینده نزدیک ساخت راه آهن را در بخش مِغـــری آغاز خواهیم کرد و این، همچنین می‌تواند فرصت مهمی برای همکاری ایجاد کند. منظورم این است که این پروژه به‌علاوه می‌تواند به مکانی برای برخی مشـــارکت‌های غیرمنتظره اما مثبت تبدیل شـــود و «چهارراه صلح» با این توجیه خواهد شد، زیرا کشـــورهایی که ممکن است مشکلاتی داشته باشند، این فرصت را برای همکاری در ارمنستان و قفقاز جنوبی به دست می‌آورند.

زخم تاریخی «قره‌سو» میراث یک حماقت سیاسی

برای درک بهتر حساســـیت امروز ایران نسبت به کریدور زنگزور، باید به یک زخم کهنه در حافظه تاریخی کشـــور بازگشت؛ زخمی که حاصل یکی از اشتباهات فاحش و نابخشودنی رضاخان پهلوی بود. رضاخان در دهه ۱۳۱۰ با اقدامی که تنها می‌توان آن را یک حماقت استراتژیک نامید، بخشی از خاک ایران در منطقه «قره‌ســـو» را به ترکیه واگذار کرد. این خطای بزرگ نه‌تنها هیچ دســـتاورد امنیتی یا سیاســـی برای ایران به همراه نداشت، بلکه مسیر پیوند زمینی مستقیم ترکیه با جمهوری خودمختار نخجوان را فراهم ساخت؛ پیوندی که بعدها به یکی از محورهای فشار ژئوپلیتیک بر ایران تبدیل شد.

پیـــش از این واگذاری، ایران از طریق مرزهای شمال‌غربی خود، دسترسی زمینی آسان و کوتاهی به ایروان و قلب ارمنســـتان داشت. اما با بخشیدن «قره‌ســـو» به آنکارا، مسیر طبیعی و کوتاه ایران به مرکز قفقاز جنوبی قطع شـــد و ترکیه توانست در امتداد مرز نخجوان، حضـــوری دائمی ایجاد کند. این تغییر مرزی که صرفاً با خوش‌خدمتی سیاسی رضاخان بـــه ترکیه صورت گرفت، هیچ پشـــتوانه کارشناسی و منطق امنیتی نداشت و عملاً یکی از مهم‌ترین برگه‌های ژئوپلیتیک ایران را از بین برد.

واگذاری حماقت‌بار قره‌ســـو از سوی رضاخان شاید در آن زمان اهمیتی نداشت ولی شرایط کنونی قفقاز جنوبی و طرح ضدایرانی زنگزور نشان داد که اشتباهات ژئوپلیتیک چه خطراتی را حتی بعد از نود سال به همراه خواهد داشت.

امـــروز، همـــان اتصال ترکیه بـــه نخجوان که حاصل آن اشـــتباه تاریخی است، در کنار کریدور ادعایـــی زنگزور، می‌تواند بـــه حلقه کامل محاصره ژئوپلیتیک ایران در قفقاز جنوبی بدل شود. ترکیه که با جاه‌طلبی‌های نئوعثمانی و همراهی آشکار با طرح‌هـــای آمریکا و اســـرائیل در این منطقه پیش می‌رود، از همان «قره‌ســـو»ی رضاخانی، به دنبال بسط نفوذ خود در محور غربی قفقاز است. این تجربه تاریخی به‌روشنی نشان می‌دهد که کوچک شمردن تغییرات مرزی-در حد یک نوار باریک-در نهایت به تهدیدات راهبردی و بلندمدتی می‌انجامد که جبران آن، سال‌ها و حتی دهه‌ها طول خواهد کشید.

زنگزور؛ پروژه‌ای با امضای واشنگتن

وقتی به ســـابقه تحولات چند سال اخیر قفقاز جنوبی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که کریدور زنگزور نـــه یک طـــرح منطقه‌ای صرف، بلکـــه حلقه‌ای از زنجیره راهبرد آمریکا بـــرای محاصره ژئوپلیتیکی ایران و روسیه اســـت. نشست اخیر در کاخ سفید میان ترامپ، علی‌اف و پاشینیان –که در رسانه‌های غربی به عنوان «تفاهم اقتصادی» معرفی شد– در واقع، لحظه تولد رســـمی این پـــروژه بود. پروژه‌ای که با بی‌تدبیری و ضعف مفرط دولت پاشینیان در ارمنستان، عملاً کلید خورد.

پاشینیان که از ســـال‌ها پیش با سیاست‌های غرب‌گرایانه خود، موقعیت ژئوپلیتیک کشورش را تضعیف کرده، این بار نیز با چراغ سبز به واشنگتن، در حال گشـــودن دروازه‌های کشورش به روی ناتو و اسرائیل اســـت. این در حالی است که ارمنستان خـــود بارها قربانی بازی‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده و اکنون نیز در مسیری گام گذاشته که می‌تواند موجودیتش را به خطر انداخته و بیش از همه این کشـــور دوست را با خطرات موجودیتی جدی روبه‌رو کند.

موضع قاطع رهبر انقلاب؛ خط قرمز ایران

رهبـــر معظم انقلاب اســـلامی در دیدار مرداد ۱۴۰۳ با پاشـــینیان، صراحتاً و بدون هیچ ابهامی موضع جمهوری اســـلامی ایـــران را اعلام کردند: «جمهوری اســـلامی ایران مسیر زنگزور را به ضرر ارمنســـتان می‌داند و همچنان بر این موضع خود ایستادگی دارد.» ایشان همچنین با تأکید بر حفظ تمامیت ارضی ارمنستان، هشدار دادند که بیگانگان نباید برای روابط کشورها با همسایگانشان محدودیت ایجاد کنند و تصریح کردند: «آن چیزی که امنیت و صلاح کشـــورها را تأمین می‌کند، اتکاء به خود و نزدیکان خود است و اقدامات برخی‌ها که از راه دور می‌آیند و در امور دیگر کشـــورها دخالت می‌کنند، به ضرر آن‌ها تمام می‌شود.»

این موضع در امتداد سخنان ایشان در تیرماه ۱۴۰۱ در دیـــدار با ولادیمیر پوتین و رجب طیب اردوغـــان بـــود، جایی که تهـــران مخالفت خود را بـــا هرگونه تغییر ژئوپلیتیکـــی در منطقه قفقاز به صراحت بیان کرد. این، خط قرمز جمهوری اسلامی است و هرگونه عبور از آن، عبور از امنیت ملی ایران خواهد بود.

میراث رئیسی؛ هشدار به ناتو

شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور فقید کشـــور، با درک کامل ابعاد این تهدید، بارها و آشکارا نســـبت به ماهیت واقعی کریدور زنگزور هشدار داده بود: «کریدور زنگزور بستر حضور ناتو در منطقه و تهدیدی ضد امنیت ملی است و قاطعانه با آن مخالفیم.»

ایـــن موضع‌گیری نه صرفاً یـــک تحلیل، بلکه بازتاب اجمـــاع تمام تحلیلگـــران و صاحب‌نظران ایران‌دوســـت بود که خطر نفوذ آمریکا و اسرائیل از این مسیر را به‌خوبی می‌شناختند. به همین دلیل، شهید رئیسی با حمایت از استقرار یگان‌های نظامی کشورمان در نوار مرزی شمال‌غرب، پیام روشنی به همـــه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داد: تهران اجازه هیچ تغییر مرزی یا جغرافیایی در قفقاز جنوبی را نخواهد داد.

در برابر این رویکرد قاطع و راهبردی، متأسفانه شـــاهد اظهارنظری تامل برانگیز از ســـوی مسعود پزشـــکیان، رئیس‌جمهور فعلی کشـــورمان، بودیم کـــه نگرانی‌های عمیقی را در محافل کارشناســـی برانگیخت. ایشـــان در اظهاراتی عجیب و به‌غایت ساده‌انگارانه گفت: «نیاز نیست نگران برخی مسائل جزئی‌تر از جمله گذرگاه‌های شمال‌غربی (زنگزور) کشور باشیم.»

این سخن، در حالی که دشمنان ایران با سرعت در حال تکمیل حلقه محاصره ژئوپلیتیکی هستند، پیام ضعف و بی‌تفاوتی را مخابره می‌کند. برای یک رئیس‌جمهور، کوچک شمردن موضوعی که می‌تواند مسیر نفوذ ناتو به مرزهای ایران را هموار کند، نه تنها خطای تحلیلی، بلکه تهدیدی برای امنیت ملی است.

ترکیه؛ بازی دوگانه با برگه زنگزور

در کنار ارمنستان و جمهوری آذربایجان، نباید از نقش ترکیه در این ماجرا غافل شد. ترکیه امروز، در حالی که مردم غزه و فلسطین تحت بی‌سابقه‌ترین جنایات رژیم صهیونیستی هستند و در شرایطی که اسرائیل در زمان حکومت شورشیان وابسته به آنکارا، جنوب سوریه را عملاً به اشغال خود درآورده، هیچ اقدام عملی مؤثری علیه تل‌آویو انجام نداده است. در عوض، تمرکز خود را بر رقابت ژئوپلیتیکی با ایران و گشودن مسیرهای نفوذ غرب به قفقاز قرار داده است.

این رویکرد، نـــه تنها کمکی به امنیت منطقه نمی‌کند، بلکه بستری عالی برای تداوم دشمنی‌های آمریکا و اسرائیل با مردم خاورمیانه فراهم می‌آورد. تجربه تاریخی نشـــان داده که آمریکا و اسرائیل در نهایـــت به هیچ بازیگر منطقـــه‌ای (حتی اگر موقتاً در یک جبهه باشـــند) اجازه نقش‌آفرینی مستقل نخواهند داد. ترکیه دیر یا زود هزینه ســـنگین این منفعت‌طلبی و توسعه‌طلبی را خواهد پرداخت ولی منفعت‌طلبی‌های حاکمان آنکارا از یاد مردم منطقه و همچنین ایرانیان نخواهد رفت.

اهمیت قفقاز جنوبی برای ایران فراتر از جغرافیا

قفقاز جنوبی تنها یک نقطه در نقشـــه نیست؛ این منطقه، بخشی از هویت تمدنی و تاریخی ایران است. قرن‌هاست که ایرانیان در برابر تعرض عثمانی، تزار روس و دیگر قدرت‌های بیگانه به این منطقه، مقاومت کرده‌اند. از جنگ‌های سنگین قرن نوزدهم تا حمایت ایران از تمامیت ارضی همسایگان امروز، یک اصل همواره ثابت بـــوده: قفقاز جنوبی حیاط خلوت ایران نیست، بلکه بخشی بزرگی از تاریخ ما و شریان حیاتی امنیت ملی ماست.

حضور هر قدرت بیگانه –چه آمریکا باشد، چه ناتو، چه اسرائیل– در این منطقه، به معنای حضور مستقیم در مرزهای شمالی ایران است و این چیزی نیست که ایران بتواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد.

علی‌رغـــم رویکردهـــای عمدتـــاً خصمانـــه و تحریک‌آمیـــز حاکمـــان باکو در ســـال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران همواره با نگاهی پدرانه به جمهوری آذربایجان نگریسته است. ایران نه‌تنها در سخت‌ترین شـــرایط تاریخی و امنیتی این کشور، در کنار مـــردم آذربایجان ایســـتاده، بلکه بارها از ظرفیت‌هـــای اقتصادی، ترانزیتـــی و حتی امنیتی خود برای تقویـــت موقعیت باکو در برابر تهدیدات خارجی بهره برده اســـت. این نگاه پدرانه برخاسته از پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی و دینی است، اما هر رابطه‌ای مبتنی بر قرابت و حسن نیت آستانه تحمل و خط قرمزی نیز دارد.

حاکمان باکـــو باید به‌خوبـــی درک کنند که جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه در قبال تحولات قفقاز جنوبی بی‌تفاوت نخواهد بود. امنیت و ثبات این منطقه، بخشی جدانشدنی از امنیت ملی ایران است و هرگونه خوش‌خدمتی به دشمنان این کشور(چه در واشنگتن و تل‌آویو و چه در اتاق‌های فکر ناتو) دیر یا زود با واکنش سخت و توبیخ جدی تهران روبه‌رو خواهد شد. صبر ایران در برابر رویکردهای خصمانه، لفاظی‌های تحریک‌آمیز و اقدامات پشت‌پرده باکو و حاکمان بی‌تجربه آن رو به پایان است.

تجربه نشان داده که هر بار باکو کوشیده است از درِ شـــیطنت وارد شود و منافع راهبردی ایران را نادیده بگیرد، در نهایت با مقاومت قاطع و هزینه‌های سیاسی و اقتصادی سنگینی مواجه شده است. این بار نیز تفاوتی نخواهد داشت؛ قفقاز جنوبی میدان آزمون بازیگران ماجراجو نیست و جمهوری اسلامی با همه ابزارهای سیاســـی، اقتصادی و حتی نظامی خود، مانع تحقق هر طرحی خواهد شـــد که ثبات منطقه و امنیت مرزهایش را تهدید کند.

مسکو بازنده بزرگ طرح آمریکایی زنگزور

روســـیه از قرن نوزدهم به این سو، همواره به شکلی مستقیم یا غیرمستقیم در قفقاز جنوبی حضور داشته است. حتی پس از فروپاشی شوروی، مسکو این منطقه را حوزه نفوذ طبیعی خود می‌دانســـت. امروز اما، با گرفتار شدن روسیه در جنگ اوکراین، فرصـــت طلایی برای نفوذ آمریـــکا و ناتو در قفقاز فراهم شده است.

مسکو باید بداند که ورود آمریکا به این منطقه، ضربـــه‌ای ژئوپلیتیکی به روســـیه خواهد زد، حتی بزرگ‌تر از تهدیدی که روسیه آن را بهانه حمله به اوکراین کرد. اگر امروز در کنار ایران و دیگر مخالفان حضور آمریکا نایستد، فردا باید نفوذ ناتو را در حیاط خلوت خود تحمل کند.

ایران بارها نشـــان داده کـــه در قبال امنیت و ثبات قفقاز جنوبی، وابسته به هیچ قدرت خارجی نیست. جمهوری اسلامی، چه با همراهی روسیه و چه بدون آن، در برابر هرگونه طرح ضدایرانی نظیر زنگزور، واکنشـــی قاطع و بازدارنده خواهد داشت. منافع ملی ایران هرگز گروگان محاسبات یا غفلت دیگران نخواهد شد.

با این حال، مسکو باید بداند که هرگونه سستی، تأخیر یا چشم‌پوشی در برابر طرح‌های آمریکا و ناتو در قفقـــاز، به ضرس قاطع این کشـــور را با بحرانی ژئوپلیتیـــک روبه‌رو خواهد کرد که دامنه آن حتی از تبعـــات حضور ناتـــو در اوکرایـــن فراتر می‌رود. حضور واشنگتن در قفقاز جنوبی یعنی کاشت بذر بی‌ثباتی و اقدامات ضدامنیتی در جنوب روســـیه، قطع شریان‌های ژئوپلیتیک این کشور به جنوب، و فراهم‌کردن بستری که دشمنان مسکو سال‌ها در رؤیای آن بوده‌اند.

اگر روسیه امروز در کنار تهران برای سد کردن این پروژه نایستد، فردا باید هزینه‌های سنگین یک محاصره چندجانبه و فرســـایش اســـتراتژیک را به تنهائی بپردازد؛ هزینه‌ای که دیر یا زود، جای خود را به عقب‌نشـــینی‌های اجبـــاری و امتیازدهی‌های تحقیرآمیز خواهد داد.

ساده‌انگاری، آفت سیاست خارجی

آنچـــه در پرونده زنگـــزور بیـــش از هر چیز نگران‌کننده است، ساده‌انگاری خطرات آن از سوی برخی مسئولان داخلی است. تاریخ روابط بین‌الملل پر از نمونه‌هایی اســـت که بی‌توجهی به یک تغییر بـــه ظاهر کوچک، به بحران‌هـــای غیرقابل کنترل منجر شده است.